خبر

تأکید بر تحقق شروط ایران برای پایان جنگ در دیدار سرلشکر رضایی با رهبر انقلاب

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دبیر شورای امنیت ملی، بر اطلاع‌رسانی فعالانه و به‌موقع برای استمرار حضور مردم در دفاع از ایران و نظام و پیگیری تأمین حقوق و منافع ملت و جبهه مقاومت از طریق تحقق شـــروط مطرح‌شده از سوی مسئولان با هدف پایان جنگ و شرایط «نه جنگ، نه صلح» تأکید کردند. در این دیدار، حضرت آیت‌الله ســیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای از شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه آن به‌عنوان «چهارراه تدبیر» امور کشور یاد و بر اثرگذاری متقابل چهار حوزه «فرهنگ»، «سیاســت»، «اقتصــاد» و «امنیت» و لزوم برخورداری از پیوســت‌های متناســب با تصمیم‌گیری در هر حــوزه تأکید کردند. رهبر معظم انقلاب اســلامی بهره‌مندی از نقشه راه مبتنی بر تصویر کامل هر اقدام -از نقطه شروع تا نقطه پایان- را لازمه اتخاذ تصمیم‌های متقن و استوار دانستند. تقویت انسجام و وحدت ملی و اعتماد متقابل مردم و مسئولان، استفاده از ظرفیت قانون اساسی خصوصا اصل ۱۷۶ برای کمک به رئیس‌جمهوری و دســتگاه‌های اجرائی برای تسهیل و تسریع در حل مشکلات کشور، حفاظت از امنیت ملی و منطقه‌ای با اعمال مدیریت بر تنگه هرمز و تحکیم روابط دوجانبه با کشورهای همســایه بر پایه منافع پایدار و متقابل، از دیگر محورهای مطرح‌شده در این دیدار بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی مستأصل‌شدن دشــمن را از ثمرات مقاومت ملی دانستند و بر اطلاع‌رسانی فعالانه و به‌موقع برای استمرار حضور مردم در دفاع از کشور و نظام و نیز پیگیری تأمین حقوق و منافع ملت ایران و جبهه مقاومت از طریق تحقق شروط مطرح‌شده از سوی مسئولان کشور با هدف پایان جنگ و شرایط «نه جنگ، نه صلح» تأکید کردند. در این دیدار، دبیر شورای عالی امنیت ملی گزارشی از شرایط کشور در حوزه‌های مختلف و تلاش‌های در حال انجام ارائه کرد. سرلشکر رضایی در گزارش خود، پیگیری سیاست راهبردی جمهوری اســلامی برای «ســامان‌دادن به ترتیبــات و نظم درون‌زای منطقــه‌ای» را ازجمله اقدامات در دست انجام دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بیان کرد.

یادداشت

هزینه‌ای که در بودجه دیده نمی‌شود

ادامه از صفحه اول

مســئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که مسئول ساخت، مسئول بهره‌برداری و مســئول پرداخت هزینه نگهداری، یک نهاد نباشــند. یک دستگاه پروژه را افتتــاح می‌کند، نهادی دیگر آن را تحویــل می‌گیرد و بودجه تعمیر در جای سومی تصویب می‌شــود. در این زنجیره، پاسخ‌گویی می‌تواند میان سازمان‌ها گم شود. هرکس بخشی از کار خود را انجام داده، اما هیچ‌کس مالک کامل کیفیت خدمت در ۱۰ ســال بعد نیســت. اصلاح نهادی از همین‌جا آغاز می‌شود؛ باید در کنار مســئول ساخت، متولی چرخه عمر دارایی و منبع تأمین هزینه‌های نگهداری نیز از ابتدا معلوم باشــد. راه‌حل نخست، تهیه «دفتر دارایی عمومی» است؛ فهرستی قابل حسابرسی از مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، جاده‌ها، تأسیسات آب و سامانه‌های حیاتی، همراه با سن، وضعیت فنی، میزان استفاده و برآورد هزینه تعمیر. لازم نیست در آغاز همه اطلاعات کامل باشد؛ می‌توان از چند گروه دارایی پرخطر و پرمراجعه شروع کرد، کیفیت داده‌ها را سنجید و دامنه را گسترش داد. انتشار عمومی شاخص‌های تجمیعی، بدون افشــای اطلاعات حســاس امنیتی، امکان مقایسه شهرها و دستگاه‌ها را فراهم کرده و بحث بودجه را از وعده‌های کلی به مســئله‌ای قابل اندازه‌گیری تبدیل می‌کند. گام دوم، پیونددادن بودجه سالانه به برنامه نگهداری چندساله است. هر پروژه جدید باید پیش از تصویب، برآورد مستقل هزینه بهره‌برداری و نگهداری، مسئول تأمین مالی و ســناریوی خرابی یا کاهش درآمد را ارائه کند. دستگاه‌ها نیز لازم است گزارش دهند چه سهمی از دارایی‌هایشان بازرسی دوره‌ای شده و چه میزان تعمیر ضروری به تعویق افتاده است. در این مدل، حذف یک ردیف تعمیر نباید فقط «صرفه‌جویی» ثبت شود؛ باید پیامد احتمالی آن بر خطر خرابی، توقف خدمت و هزینه آینده نیز روشن باشد. گام ســوم، تغییر معیار ارزیابی مدیران است. اگر تنها تعداد پروژه‌های افتتاح‌شده یا اعتبار جذب‌شــده سنجیده شود، رفتار ســازمانی نیز به همان سمت می‌رود. در کنار آن باید دسترس‌پذیری واقعی خدمت، تعداد توقف‌های ناخواسته، زمان بازگشت به وضعیت عادی، هزینه چرخه عمر و رضایت اســتفاده‌کنندگان سنجیده شود. برای جلوگیری از دستکاری شاخص‌ها، داده‌های عملکردی باید با بازرسی مستقل و نمونه‌گیری از تجربه شهروندان تطبیق داده شــود. معیار خوب، مدیری را که از خرابی پیشگیری کرده، به اندازه مدیری که پروژه تازه‌ای ساخته است، قابل مشاهده می‌کند. آینده‌نگری در اینجا به معنای پیش‌بینی دقیق روز خرابی نیست. تغییر اقلیم، رشد شهرها، سالمندی جمعیت، جابه‌جایی الگوی مصرف و گسترش فناوری‌های دیجیتال، تقاضا و خطرات دارایی‌های عمومی را دگرگون می‌کنند. یک شبکه آب باید در برابر سناریوهای خشک‌سالی، افزایش تقاضا و اختلال برق آزموده شود؛ یک بیمارستان در برابر موج مراجعه و اختلال زنجیره تأمین. بودجه نگهداری وقتی هوشمند است که برای چند آینده محتمل طراحی شود، نه‌فقط برای تکرار بی‌دردســر سال گذشــته. فناوری می‌تواند در این مسیر کمک کند: حســگرها، داده‌های تعمیرات و الگوریتم‌های پیش‌بینی خرابی امکان اولویت‌بندی بازرســی‌ها را افزایش می‌دهند. اما خرید نرم‌افزار بدون ثبت داده، نیروی متخصص و اختیار اقدام، مسئله را حل نمی‌کند. اگر سامانه هشدار دهد و بودجه یا مسئول پاسخ‌گو وجود نداشته باشد، هشدار فقط به فهرست گزارش‌های بی‌اثر افزوده می‌شود. استفاده از هوش مصنوعی باید با امکان توضیح تصمیم، ارزیابی خطا و کنترل انســانی همراه باشــد؛ مخصوصا وقتی اولویت تعمیر بر ایمنی یا دسترســی گروه‌های آسیب‌پذیر اثر می‌گذارد. پیشــنهاد عملی، آغاز یک برنامه آزمایشی ۱۲ماهه در چند شهر و برای چند خدمت مشخص اســت: ابتدا موجودی و وضعیت دارایی‌ها ثبت شود، سپس هزینه تعمیرهای عقب‌افتاده و ریسک توقف خدمت برآورد شود، پس از آن بودجه نگهداری با شاخص‌های شفاف تخصیص یابد و نتیجه هر فصل منتشر شود. معیار موفقیت، رقم هزینه‌شده نیست؛ بلکه کاهش توقف خدمت، کاهش خرابی قابل پیشگیری و افزایش اطمینان مردم است. اگر آزمایش نتیجه نداد، باید طراحی آن اصلاح شود، نه اینکه با تبلیغ گسترده‌تر موفق جلوه داده شود. ۲۴ اکتبر، روز سازمان ملل متحد است؛ مناسبتی که می‌تواند یادآور تعهد عمومی به توسعه پایدار باشد. پایداری فقط در ساختن بیشتر خلاصه نمی‌شــود؛ در حفظ چیزی هم هست که با منابع عمومی ساخته شده است. هر پل، مدرســه و درمانگاه، وعده‌ای بلندمدت به شهروندان است. بودجه‌ای که فقط روز افتتاح را می‌بیند، از آینده این وعده غافل می‌ماند. پرســش نهایی ســاده است: آیا می‌خواهیم هر سال ساختمان تازه‌ای به فهرست دارایی‌ها اضافه کنیم، یا می‌خواهیم دارایی‌های موجود سال‌های بیشتری واقعا به مردم خدمت کنند؟

شرکت سهامی
توزیع نیروی برق شیراز
(سهامی خاص)

آگهی فراخوان شناسایی مناقصه گران
به شماره ۱۰۴-۰۵
کد مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی
دولت (ستاد) : ۲۰۰۵۰۰۷۰۰۳۰۰۰۰۹۶

شناسه : ۲۳۱۲۸۹۱
نوبت اول

شــرکت توزیــع نیــروی بــرق شــیراز بــه عنــوان دســتگاه مناقصــه گــزار در نظــر دارد نســبت بــه خریــد دو دســتگاه بالابــر غیرعایــق بــوم بلنــد تلســکوپی ۱۶ متــری اقــدام نمایــد. بنابرایــن از کلیــه تولیــد کننــدگان دارای شــرایط دعــوت می گــردد از تاریــخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ لغایــت ۱۴۰۵/۰۸/۱۱ جهــت دریافــت اطلاعــات مربــوط بــه اســناد ارزیابــی کیــفی بــه ســامانه تــدارکات الکترونیــکی دولــت بــه نشــانی www.Setadiran.ir مراجعــه نماینــد. لازم اســت پــس از تکمیــل، اســناد ارزیابــی بــه همــراه مــدارک خواســته شــده را حداکثرتــا ســاعت ۱۳ روز ســه شــنبه مــورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۶ در ســامانه تــدارکات الکترونیــکی دولــت بارگــذاری نماینــد. ایــن آگهــی بــه منظــور شناســایی و ارزیابــی تولیــد کننــدگان واجــد شــرایط انتشــار یافتــه و شــرکت توزیــع نیــروی بــرق شــیراز پــس از ارزیــابی کیــفیِ از متقاضیــان واجــد شــرایط طــی مراحــل بعــدی دعــوت بــه عمــل خواهــد آورد. ضمنــاً در قبــال ارائــه مــدارک ارزیابــی وجهــی دریافــت نخواهــد شــد.

شرکت توزیع نیروی برق شیراز

«شرق» نشست سه‌جانبه سران ایران، روسیه و قطر در مسکو را در امتداد رایزنی‌های چهارجانبه تهران بررسی می‌کند

همه در تکاپوی مهار جنگ

مالک مصــدق: در حالی که گمانه‌زنی‌ها دربــاره ابعاد و نتایج نشســت چهارجانبه تهران با حضور مقام‌های ارشد عربستان، پاکستان و ترکیه همچنان ادامه دارد، برگزاری نشست سه‌جانبه ســران ایران، قطر و روسیه در مســکو، تنها با فاصله یک روز، از تشــدید تحرکات دیپلماتیک برای مدیریت یکی از حساس‌ترین مقاطع امنیتی منطقه حکایــت دارد. توالی این دیدارها، به‌ویژه در شــرایطی کــه احتمال ازســرگیری تقابل نظامــی آمریکا و اســرائیل با ایران همچنان مطرح اســت، نمی‌توانــد صرفا در چارچوب رایزنی‌های معمول دیپلماتیک ارزیابی شــود. به نظر می‌رسد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، هر یک با ملاحظات و محاســبات متفاوت، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بازگشت جنــگ می‌تواند هزینه‌هایی به‌مراتب فراتــر از میدان نظامی به همراه داشته باشــد. این تحرکات به موازات برگزاری انتخابات کنست اسرائیل و در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا نیز اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ چراکه بی‌شک این دو رویداد سیاسی می‌توانند بر محاسبات بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ درباره زمــان، دامنه و هزینه‌هــای تقابل احتمالی بــا ایران اثر بگذارنــد. در چنین فضایی، دیپلماســی منطقه‌ای نه‌فقط برای دســتیابی به توافق، بلکــه برای جلوگیری از خــروج بحران از کنترل فعال شده است. بااین‌حال، نباید افزایش رفت‌وآمدهای دیپلماتیک را لزوما نشــانه نزدیک‌شدن صلح تلقی کرد. وقتی هم‌زمان با مذاکرات، آرایش نظامی تقویت می‌شود، گزینه‌های حملــه روی میــز باقی می‌مانــد و طرف‌ها از گســترش دامنه پاسخ‌های احتمالی سخن می‌گویند، پرسش اصلی دیگر صرفا جلوگیری از جنگ نیست؛ چگونگی مدیریت تحولات در شرایطی اســت که ســایه جنگ همچنان بر منطقه سنگینی می‌کند. به بیان دیگر، اکنون بســیاری از بازیگران در تلاش‌اند بحران را زیر سقف جنگ کنترل کنند و موفقیت این تلاش‌ها به میزان توانایی دیپلماسی در مهار محاسبات نظامی و جلوگیری از یک خطای راهبردی وابسته است.

طرح ۵روزه قطر برای توافق ایران و آمریکا؛ بازگشایی هرمز در برابر پایان محاصره دریایی

در حالی مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور ایران، شیخ تمیم بن‌حمــد آل‌ثانی امیر قطــر و ولادیمیر پوتیــن رئیس‌جمهور روسیه، عصر دیروز (سه‌شــنبه) در نشستی سه‌جانبه گردهم آمدند کــه دوحه پیش‌تر طرح پیشــنهادی پنــج‌روزه را برای گشودن مسیری به سوی کاهش تنش مطرح کرده بود. گزارش نیویورک‌تایمز بــه نقل از دو دیپلمات آگاه از مذاکرات حاکی از آن است که میانجی‌های قطری در حال پیگیری طرحی هستند که بر اســاس آن، تهران و واشــینگتن طی یک دوره پنج‌روزه، مجموعــه‌ای از امتیازهــا را به یکدیگر ارائه دهند. بر اســاس این پیشــنهاد، ایران تنگه هرمز را برای عبور کشتی‌های تجاری بازگشایی می‌کند و آمریکا نیز در مقابل، محاصره دریایی بنادر ایران را پایان می‌دهد. اهمیت این طرح در آن اســت که تلاش می‌کند دو مسئله فوری و تأثیرگذار بر امنیت و اقتصاد منطقه، یعنی محدودیت کشــتیرانی در هرمز و محاصره دریایی ایران را به یکدیگــر پیوند بزند. بااین‌حال، مســئله اصلی همچنان نحوه و زمان‌بندی اجرای تعهدات است. دیپلمات‌های آگاه از مذاکرات گفته‌اند میانجی‌هــا تلاش می‌کنند تهران در مرحله نخست توافق، درباره برنامه هســته‌ای خود نیز امتیازی ارائه کند و اتفاقا این موضوع با موضع اعلام‌شده ایران درباره حفظ ذخایر اورانیوم غنی‌شده در داخل کشور تعارض دارد. مقام‌های کشورمان بارها تأکید کرده‌اند که حاضر به انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده به خارج از کشور نیستند. محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز پیش‌تر تصریح کرده بود که حتی ذره‌ای از مواد هســته‌ای غنی‌شــده ایران از کشور خارج نخواهد شد. بنابرایــن، اختلاف هســته‌ای همچنان یکــی از موانع اصلی در مســیر توافق احتمالی محســوب می‌شــود. البته ابراهیم الهاشــمی، مدیر اداره رسانه و ارتباطات وزارت خارجه قطر، با تأکید بر تداوم تلاش‌های میانجیگرانه میان تهران و واشینگتن در فضایی مثبت، ســفر هیئت قطری به تهران را در چارچوب رایزنی‌هــای دیپلماتیک برای کاهش تنش‌هــا و پایان بحران ارزیابی کرد. او با اشــاره به اظهــارات مثبت ایران درباره ایجاد ســازوکار امنیت منطقه‌ای، تأکید کرد کــه اکنون توپ در زمین تهران است و ایران باید حسن نیت خود را نشان دهد. الهاشمی همچنین از آمادگی قطر و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای آغاز روند شــکل‌گیری سازوکاری امنیتی با رعایت حاکمیت کشورها خبر داد. لازم به ذکر است که ابتکار پنج‌روزه قطر نخستین تلاش برای گشــودن گره مذاکرات نبود. پیش از آن، تهران طــرح هفت‌روزه خود را روی میز گذاشــته بود که بــه گفته عباس عراقچی، وزیر امــور خارجه، محور آن اجرای کامل تعهدات آمریکا ذیل تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و سپس ورود به گفت‌وگو درباره سایر موضوعات بود. عراقچی در گفت‌وگو با شــبکه «الاخباریه» عراق از تداوم مذاکرات غیرمســتقیم با واشــینگتن از مجاری پاکســتان و قطر خبر داد و اعلام کرد که آمریکا با شــروط اصلی طرح ایران موافقت کرده، اما خواستار افزودن بندهایی به آن شــده اســت؛ بندهایی که او از تشریح جزئیاتشــان خودداری کرد. بر اســاس توضیحــات وزیر امور خارجه، در چارچوب این طرح قرار بود تنگه هرمز در روز ششم به‌طور کامل بازگشایی شود. تهران، بااین‌حال، بر رعایت تقدم و تأخر مشخصی در اجرای توافق تأکید داشت؛ نخست، پایبندی کامل آمریکا به تعهداتش در تفاهم‌نامه اســلام‌آباد و پس از آن، فراهم‌شــدن زمینه مذاکره درباره دیگــر پرونده‌های مورد اختلاف. از نگاه ایران، ورود به مباحث گسترده‌تر پیش از اجرای تعهدات اولیه، نمی‌تواند مبنای قابل اتکایی برای تفاهم باشد. اکنون، با وجود طرح ابتکار هفت‌روزه ایران و پیشنهاد پنج‌روزه قطر، هنوز نشــانه‌ای از شکسته‌شدن بن‌بست دیپلماتیک دیده نمی‌شــود. اختلاف بر ســر ترتیب اجرای تعهدات، شروط تازه مورد مطالبه واشــینگتن و بی‌اعتمادی متقابل همچنان مانع تبدیــل این ابتکارها به توافقی عملیاتی اســت. به این ترتیب، دو طرح متفاوت با هدفی مشــترک، مهار تنش و جلوگیری از بازگشت جنگ، تاکنون نتوانسته‌اند گره اصلی بحران را بگشایند. لذا اگرچه دیپلماســی همچنان جریان دارد، اما سایه جنگ بر فراز میز مذاکره سنگینی می‌کند.

مسکو؛ میانجی میان تهران و واشینگتن یا بازیگر مؤثر در معادلات بحران؟

اگرچــه در معادلات میانجیگرانه میان تهران و واشــینگتن معمولا نخســتین نگاه‌ها به دوحه و اسلام‌آباد دوخته می‌شود و قطــر و پاکســتان در کانون توجه قرار می‌گیرنــد، اما تحولات هفته‌هــای اخیر از تحرکات دیپلماتیک جدی و فزاینده مســکو نیز حکایت دارد؛ تلاش‌هایی که نشان می‌دهد کرملین درصدد است با بهره‌گیری از ظرفیت ارتباطی خود با هر دو طرف، نقشی فراتر از یک ناظر سیاسی ایفا کند و به یکی از مجاری اثرگذار در مسیر مهار تنش‌ها و گشودن گره مذاکرات تبدیل شود. تحرکات اخیر کرملین نشــان می‌دهد روسیه در تلاش است جایگاه خود را به‌عنوان یکی از کانال‌هــای مؤثر دیپلماتیک در پرونده تنش میان ایران و آمریکا تثبیت کند؛ نقشــی که از یک ســو بر روابط راهبردی مســکو و تهران و از ســوی دیگر بر امکان گفت‌وگوی مستقیم ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ استوار است. این مسیر دســت‌کم از نهم مهرماه، با تأکید پوتین بر معتبربودن پیشنهاد روسیه برای انتقال اورانیوم غنی‌شده ایران به روسیه، نشانه‌های آشکارتری یافت. در هفدهم مهرماه نیز مسعود پزشکیان و پوتین در حاشــیه نشست ترکمنستان درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای گفت‌وگو کردند. پزشــکیان در این دیدار ضمن تأکید بر اینکه ایران از میز مذاکره کنار نخواهد کشــید، از تداوم تبادل پیشنهادها با طرف آمریکایی از طریق واسطه‌ها خبر داد. یک روز بعــد، کرملین اعلام کرد پوتین در تماس با ترامپ، با هماهنگی ایــران، دیدگاه تهران درباره راه‌حــل احتمالی کاهش تنش‌ها را منتقل کرده اســت. یوری اوشاکوف نیز بر پایان‌نیافتن گزینه‌های دیپلماتیک در پرونده ایران تأکید کرد. ســفر سرگئی لاوروف به تهــران در ۲۷ مهرماه را نیز می‌تــوان در امتداد همین رایزنی‌ها ارزیابــی کرد. اکنون اعلام کرملین درباره احتمال دیدار دوجانبه پوتین و ترامپ در حاشیه اجلاس اپک در شنژن یا حتی برگزاری نشستی سه‌جانبه با حضور شی جین‌پینگ، افق تازه‌ای پیش‌روی دیپلماسی مسکو گشوده اســت؛ هرچند پسکوف تصریح کرده که هنوز توافقی نهایی درباره این دیدارها حاصل نشــده است. با این همه، نباید ظرفیت میانجیگری روســیه را با توان تضمین توافق یکســان دانست. مسکو به دلیل ارتباط هم‌زمان با تهران و واشینگتن می‌تواند حامل پیام و تسهیل‌کننده گفت‌وگو باشد، اما تحقق نتیجه به اراده طرف‌هــا و میزان انعطاف‌پذیری آنها بستگی دارد. روسیه در این معادله هم‌زمان یک شریک راهبردی برای ایران و بازیگری صاحب منافع مســتقل اســت؛ بنابراین، دیپلماسی کرملین می‌تواند فرصتی برای مهار بحران باشد، اما به‌تنهایی تضمین‌کننده گشایش بن‌بست نیست.

دو دیدار با چاشنی انرژی

پیش از نشست سه‌جانبه سران روسیه، ایران و قطر، دیدارهای جداگانه مســعود پزشکیان با شــیخ تمیم بن‌حمد آل‌ثانی امیر قطر و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، در حاشیه هشتمین اجلاس ســران مجمع کشــورهای صادرکننده گاز در مسکو، از یک وجه مشــترک معنادار برخوردار بود؛ انرژی و جایگاه آن در مناســبات دوجانبه و معادلات منطقــه‌ای و بین‌المللی. اینکه همکاری‌های انرژی در هر دو دیدار مورد توجه قرار گرفت، نشان می‌دهد این حوزه برای تهران، دوحه و مسکو صرفا یک موضوع اقتصادی و تجاری نیســت، بلکه بخشی از محاسبات راهبردی هر سه کشور در شرایط پرتنش کنونی به شمار می‌رود. در دیدار پزشــکیان و امیر قطر، طرفین ضمن بررسی مناسبات دوجانبه، بر تقویــت همکاری‌های اقتصادی و تجاری و به‌ویژه توســعه تعاملات در حوزه انرژی تأکید کردند. هماهنگی میان کشورهای صادرکننده گاز نیز از دیگر محورهای مورد توجه بود؛ موضوعی که با توجه بــه جایگاه ایران و قطر در بــازار گاز و ظرفیت‌های مشــترک دو کشــور، واجد اهمیت ویژه‌ای است. در سوی دیگر، گفت‌وگوی پزشکیان و پوتین نیز بنا بر توضیحات کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه، علاوه بر همکاری‌های اقتصادی و تجاری، موضوعاتی همچون کریدور شــمال-جنوب، امنیــت انرژی و امنیــت غذایی را در بر می‌گرفت. هرچند در این ســفر قرار نبود سندی میان دو رئیس‌جمهور امضا شود، نفس تداوم رایزنی‌ها نشان‌دهنده اهمیت مناسبات تهران و مسکو است. اما اهمیت ایــن دیدارها را باید فراتر از روابط دوجانبه و در پیوند با تحولات بازار جهانی انرژی ارزیابی کــرد. گزارش‌ها درباره تفاهم دونالد ترامپ و پوتین بر سر ارسال گازوئیل روسیه به آمریکا، نمونه‌ای از سیاســت معامله‌محور واشینگتن و تلاش مسکو برای حفظ کانال ارتباطی با کاخ سفید است. هرچند حجم اولیه محموله اعلام‌شده، در مقیاس مصرف آمریکا محدود است و درباره زمان و امــکان اجرای کامل آن نیز ابهام‌هایی وجــود دارد، اما نفس چنین تفاهمی از منظر سیاسی قابل تأمل است. برای تهران، پیام این تحول روشن است؛ روســیه در تعامل با آمریکا، پیش از هر چیز منافع و محاسبات مســتقل خود را دنبال می‌کند. از سوی دیگر، هرگونه کاهش فشــار بر بازار سوخت آمریکا می‌تواند بر یکی از اهرم‌های اقتصادی ایران در معادلات بحران اثر بگذارد. بنابراین، همکاری انرژی با مســکو و دوحه فرصت مهمی برای ایران است، اما این فرصت نباید با اتکای بی‌قیدوشرط به شرکای خارجی اشتباه گرفته شــود؛ در سیاست بین‌الملل، منافع ملی کشورها همواره تعیین‌کننده نهایی است.

سه متحد منطقه‌ای آمریکا در تهران؛ وقتی نگرانی از جنگ، رقبا را پای میز مذاکره می‌آورد

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، نشست سه‌جانبه سران ایران، روســیه و قطر در مســکو را نمی‌توان مستقل از تحرکات دیپلماتیــک هم‌زمــان در محــور ریاض-اســلام‌آباد-تهران-آنــکارا مورد تحلیــل و ارزیابی قرار داد. این دو نشســت اگرچه در قالب‌ها و ترکیب‌های متفاوتی برگزار شــده‌اند، در بستر یک واقعیت مشــترک معنا پیدا می‌کنند که ناظر بر نگرانی فزاینده بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از بازگشــت بحران به نقطه تقابــل نظامی و تــلاش برای مهار تنش‌هاســت، پیش از آنکه محاسبات سیاســی و امنیتی از کنترل خارج شود. از این منظر، مسکو و تهران را باید دو کانون مکمل در یک معادله دیپلماتیک گســترده‌تر دانست. در چنین معادله‌ای، رایزنی‌ها نه صرفا برای دســتیابی به یک توافق مقطعی، بلکه برای مدیریت پیامدهای یک بحران چندلایــه و جلوگیری از گســترش دامنه آن جریان دارد. پیرو این نکته و به گزارش ســی‌ان‌ان، یقینا ســفر مشترک مقام‌های ارشد عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه به تهران را باید یکی از مهم‌ترین تحرکات دیپلماتیک منطقه در هفته‌های اخیر ارزیابی کرد. این دیدار که روز دوشنبه انجام شد، در شرایطی صورت گرفت که گزارش‌ها از بررســی گزینه‌های نظامی جدید در واشینگتن و تل‌آویو حکایت داشت و کشورهای منطقه بیش از گذشته نگران پیامدهای گسترش جنگ بودند. در این نشست، شاهزاده خالد بن‌سلمان وزیر دفاع عربستان، عاصم منیر فرمانده ارتش پاکســتان و ابراهیم کالین رئیس ســازمان اطلاعات ملی ترکیه حضور داشتند. هیئت‌های سه کشور با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران و محســن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار کردند. ســطح مقام‌های اعزامی، به‌ویژه حضور وزیر دفاع عربستان و فرمانده ارتش پاکستان، نشان می‌دهد موضوع صرفا یک رایزنی سیاســی معمول نبوده و ملاحظات امنیتی و نظامی جایگاه مهمی در دســتور کار داشته است. اهمیت این دیدار زمانی بیشتر می‌شود که روابط تهران و ریاض در هفته‌های اخیر با چالش‌های امنیتی متعددی روبه‌رو بوده است. عربستان از یک‌ســو نگران تشــدید حملات نیروهای انصارالله در یمن و آسیب‌پذیری تأسیسات نفتی و زیرســاخت‌های خود است و از ســوی دیگر می‌داند وقوع جنگی جدید میــان ایران و آمریکا و اسرائیل می‌تواند بار دیگر قلمرو و منافع این کشور را در معرض پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم قرار دهد. در همین چارچوب، اعزام خالد بن‌ســلمان، برادر ولیعهد عربســتان و از چهره‌های نزدیک به هسته تصمیم‌گیری این کشــور، حامل پیامی فراتر از یک دیدار تشریفاتی است. ریاض ظاهرا به این نتیجه رسیده مهار تنش با تهران، حتی در شرایط استمرار اختلافات، برای حفاظت از منافع امنیتی و اقتصادی‌اش ضرورت دارد.

از سوی دیگر، ترکیه و پاکستان نیز به دلایل متفاوتی خواهان جلوگیری از گســترش بحران هستند. پاکســتان که در ماه‌های اخیر نقش میانجی میان تهران و واشینگتن را بر عهده داشته، با تشدید جنگ در همسایگی خود با مخاطرات امنیتی و اقتصادی بیشتری مواجه می‌شــود. ترکیه نیز به‌عنوان یکی از قدرت‌های مهم منطقه، نمی‌تواند نســبت به پیامدهــای یک جنگ فراگیر بی‌تفاوت بماند. وزارت خارجه عربســتان اعلام کرده است این ســفر در چارچوب تلاش‌های کشــورهای عضو پیمان دفاعی مکه برای کاهش تنش، حمایت از میانجیگری قطر و پاکســتان و بازگشایی مسیر گفت‌وگوها انجام شده است. بنابراین، نشست تهران را می‌توان نشــانه‌ای از تلاش بازیگــران منطقه‌ای برای جلوگیری از تبدیل اختلافات سیاســی و امنیتی به یک رویارویی گسترده دانست؛ هرچند هنوز مشخص نیست این رایزنی‌ها تا چه اندازه می‌توانند بر تصمیم‌های واشینگتن و تل‌آویو اثر بگذارند.

پیمان مکه؛ ائتلافی که برای مهار بحران به تهران آمد

نشست مشترک عربستان، پاکستان و ترکیه در تهران، علاوه بر اهمیت دیپلماتیک، از منظر تحولات ساختار امنیتی منطقه نیز شــایان توجه است. این سه کشــور که امسال در چارچوب توافق دفاع جمعی موسوم به «پیمان مکه» به یکدیگر نزدیک شده‌اند، اکنون در شرایطی با ایران وارد رایزنی مستقیم شده‌اند که احتمال ازســرگیری جنگ میــان تهران و محــور آمریکا و اسرائیل افزایش یافته اســت. این تحول نشان می‌دهد نگرانی از پیامدهای جنگ حتی بر محاســبات کشــورهایی که روابط دفاعی و راهبردی نزدیکی با واشــینگتن دارند نیز اثر گذاشــته اســت. بر اســاس مفاد اعلام‌شــده درباره پیمان مکه، حمله بــه یکی از اعضا می‌تواند به‌منزله حمله به ســایر اعضا تلقی شــود. ترکیب توان نظامی ترکیه، ظرفیت‌های دفاعی پاکستان و منابع اقتصادی عربســتان، به این ابتکار جایگاهی قابل توجه در معادلات منطقه‌ای داده اســت. بااین‌حال، حضور مشترک مقام‌های این سه کشور در تهران نشان می‌دهد ترتیبات دفاعی میان آنها به معنای نادیده‌گرفتن ضرورت تعامل با ایران نیست. حمیدرضا عزیزی، تحلیلگر ارشد گروه بین‌المللی بحران، معتقد اســت خطر افزایش درگیری میان ایران و آمریکا، منافع امنیتی مشــترکی برای ســه عضو پیمان مکه ایجاد کرده است. از این منظر، رایزنی با تهران تلاشــی برای جلوگیری از بحرانی است که می‌تواند به‌ســرعت از محدوده جغرافیایی ایران فراتر برود. در این میان، نگرانی عربســتان جایگاه ویژه‌ای دارد. این کشــور پس از حملات موشکی و پهپادی منتسب به ایران و همچنین تشــدید تنش‌ها در جبهه یمن، نســبت به میزان آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی خود حساس‌تر شده است. وقوع جنگی تازه می‌تواند این آسیب‌پذیری را افزایش داده و تأسیسات انرژی، مســیرهای تجاری و امنیت کشتیرانی را در معرض تهدید قرار دهد. هم‌زمان، برخی کشورهای منطقه درباره میزان اتکاپذیری تضمین‌های امنیتی آمریکا نیز دچار تردید شــده‌اند. وابستگی بخش مهمی از ســاختار دفاعی کشــورهای خلیج فارس به تسلیحات و حمایت نظامی واشینگتن، در شرایطی که احتمال کشیده‌شــدن آنها به یک جنگ جدید وجود دارد، به موضوعی نگران‌کننده تبدیل شــده است. همین مسئله انگیزه‌هایی برای تنوع‌بخشــی به همکاری‌های نظامی و بررســی سازوکارهای امنیتی مستقل‌تر ایجاد کرده است.

ایران نیز از این تحولات اســتقبال می‌کند؛ زیرا شــکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای با مشارکت کشورهای همسایه، بدون محوریت آمریکا، با بخشی از رویکرد راهبردی تهران همخوانی دارد. بااین‌حال، یک تناقض مهم همچنان باقی است: سه کشور حاضر در نشست تهران، روابط گسترده‌ای با ایالات متحده دارند و در چارچوب‌هــای دفاعــی و امنیتی آن فعالیــت می‌کنند. از این‌رو، نشســت تهران را نباید به معنای شکل‌گیری یک ائتلاف جدید ضدآمریکایی تلقی کرد. آنچه فعلا قابل مشــاهده است، تلاش این کشورها برای کاهش آسیب‌پذیری خود در برابر جنگی است که ممکن است بدون مشارکت مستقیم آنها آغاز شود، اما هزینه‌هایش مستقیما به آنها تحمیل شود.

نشست تهران یک دستاورد بزرگ برای ایران بود

ولی نصر، مشاور سابق باراک اوباما، نشست مقام‌های ارشد عربستان، پاکستان و ترکیه با مسئولان ایرانی را از نظر تبلیغاتی و رسانه‌ای دســتاوردی مهم برای تهران ارزیابی کرده است. به اعتقــاد او، حضــور قدرت‌های مهم منطقــه‌ای در تهران برای گفت‌وگو درباره تحولات امنیتی، به‌ویژه مسئله یمن، نشان‌دهنده جایگاه محوری ایران در معادلات منطقه است. نصر با اشاره به اینکه این کشــورها برای درخواست کمک درباره یمن به تهران سفر کرده‌اند، احتمال داد ایران نیز برای ارائه چنین کمکی شروط و ملاحظات خود را مطرح کرده باشد؛ موضوعی که می‌تواند به نتایجی عملی منجر شــود. او همچنین تأکید کرد پیوستن ایران به ائتلاف مکه در دســتور کار این نشســت قرار نگرفته اســت. از نگاه نصر، نام‌گــذاری این رویداد به‌عنــوان «اجلاس تهران» اهمیت دارد؛ زیرا می‌تواند نشان‌دهنده تمایل ایران به شکل‌دادن به ترتیبات امنیتی متفاوتی باشد که در آن تهران نقش محوری و تعیین‌کننده داشــته باشــد. بااین‌حــال، این رویکــرد با روابط نزدیک ســه عضو پیمان مکه با آمریکا بــا چالش‌هایی مواجه است. بنابراین، دستاورد اصلی نشســت را باید در افزایش وزن دیپلماتیک ایران و بازشــدن مسیر رایزنی‌های امنیتی منطقه‌ای جست‌وجو کرد، نه در شکل‌گیری یک توافق راهبردی جدید.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

پزشکیان: مداخلات نظامی آمریکا، امنیت انرژی و رشد اقتصادی جهان را تهدید می‌کند

«مســعود پزشکیان» دیروز سه‌شنبه در هشــتمین اجلاس سران مجمع کشــورهای صادرکننده گاز که در مسکو، پایتخت روســیه، در حال برگزاری اســت، به مداخلات نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس اشاره کرد و گفت: این مداخلات فقط بازیگران منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه با ایجاد شوک‌های جدی، فرایند تعیین قیمت، عرضه و انتقال انرژی را مختل کرده و رشد اقتصادی را در جهان به مخاطره می‌اندازد. او با اشاره به تحولات بازار جهانی انرژی افزود: کشورهای عضو مجمع باید همکاری خود را در دو حوزه «حاکمیت و مدیریت راهبردی» و «عملیات فنی-مهندســی» توسعه دهند. در حــوزه راهبــردی، تمرکز اصلی باید بر ثبــات بازار و چگونگی افزایش حجم تجارت گاز طبیعی در ســطح منطقه‌ای و جهانی باشــد. رئیس‌جمهور همچنین در بخش دیگری از صحبت‌های خود تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از اعضای مؤسس مجمع کشورهای صادرکننده گاز و دومین دارنده ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان، آمادگی خود را برای ایفای نقشی فعال‌تر در پیشبرد دیپلماسی چندجانبه، تبادل دانش و تجربه و توسعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در زیرســاخت‌های گاز در چارچوب مجمع اعلام می‌کند. پزشکیان خاطرنشان کرد: ایران با برخورداری از موقعیت راهبردی خــود در قلب مهم‌ترین کریدورهای انرژی جهان، دارای ظرفیت ذاتی برای ارتقای چشــمگیر تاب‌آوری انرژی در ســطح جهانی اســت. به‌علاوه، ظرفیت‌های موجود در صنعت گاز ایران، زمینه‌های مناسبی برای همکاری‌های بخش خصوصی کشــورهای عضو مجمع در حوزه بالادســتی و پایین‌دســتی گاز طبیعی و نیز تجارت آن ایجاد کرده است. سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند بدون نگرانی، از مشوق‌ها و تسهیلات ارائه‌شده در بخش صنعت نفت، گاز و پتروشیمی استفاده کرده و از ظرفیت‌های کم‌نظیر ایران در چارچوب منافع مشترک بهره‌مند شوند.